



۲۰۱۳/۰۴/۰۷

جلیل غنی

## ستراتیژی و تاکتیک های ایران در برابر افغانستان

افغانستان با این موقعیت جیو پولیتیک خود همواره آماج تهاجمات جهانگشایان و توسعه طلبانی بوده که برای اشغال سر زمین ها و قلمرو های دیگران از این راه عبور کرده اند و یا هم در آرزوی تصرف این سرزمین بوده اند. جریانات تقریباً چهار دهه اخیر، افغانستان را نه تنها بار دیگر در محور توجه جهان گشایانی چون اتحاد شوروی سابق قرار داد، بلکه به صحنه رقابت های بین المللی و منطقوی نیز مبدل ساخت.

با از هم پاشیدن نظام سلطنت و ثبات سیاسی نسبی افغانستان، بگذریم از فقر و عقب ماندگی، و پنج سال بعد با کودتای کمونیستی، زمینه دست اندازی ها و مداخلات آشکار و پنهان کشور های مختلف مخصوصاً کشورهای منطقه و هم جوار بر این سرزمین میسر شد مخصوصاً همسایگانی که کینه و عداوت دیرینه با افغان ها و افغانستان داشته اند چون پاکستان که افغانستان یگانه کشوری بود که در سال ۱۹۴۷ در ملل متحد برای تشکیل این کشور رأی منفی داد و هم قضیه خط دیورند یکی از معضلات پیچیده دیگر در روابط افغانستان و پاکستان بوده است و ایران که گرچه داد از روابط حسنه و دیرینه و برادری و همزبانی و هم کیشی می زند ولی هیچگاهی جنگ های قرون گذشته و حکمرانی افغان ها را بر آن سرزمین به حیث جزئی از امپراتوری های افغانی فراموش نکرده است. هر یک از کشورهای منطقه مخصوصاً هند، پاکستان، ایران و حتی روسیه از آن دور دست ها در صدد بدست آوردن امتیازات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی و یا هم انتقام جوئی های تاریخی برآمده اند. حتی کشور های دور دستی چون کشورهای عربی هم در صدد ایجاد پایگاه های مذهبی از قبیل سلفی ها شدند.

معلوم نیست که این کشور ها از این ملت داغدیده و فقیر که آراسته و پیراسته با عقاید پاک اسلامی و سجایای حمیده اخلاقی و ملی است و جز آزادی و آرامی آرزوی دیگری ندارد، چه می خواهند و چرا بجان این ملت افتاده اند؟ شاید باز هم موقعیت جغرافیائی افغانستان این همه توجه را به خود جلب کرده است. و شاید هم تعداد محدود خود فروخته و اجیر زمینه این همه دست اندازی ها را مساعد می سازند و دروازه ها را بروی آژندمان بین المللی و منطقوی باز می کنند چنانیکه حزب دیموکراتیک خلق چنین خوش خدمتی را برای اتحاد شوروی سابقه نمود و همه شاهد آن بودیم که چه بلاهای بر سر این ملت فرود نیورد. متعاقب آن با پیروی از این روند و این تمایلات، حتی ایران و پاکستان هم جرأت یافتند تا اجیرانی را برای بر آورده ساختن امیال نا میمون شان بگمارند. پاکستان با برنامه عمق ستراتیژیک و مقابله با نفوذ هند، و ایران با پیروی از ستراتیژی و تاکتیک حکومت ولایت فقیه.

در همین پورتال وزین افغان جرمن آنلاین ترجمه گزارشی را که جناب عارف عباسی ترجمه کرده بودند زیر عنوان «نفوذ ایران و احتمال سقوط بانک دیگری در افغانستان» خواندم که واقعاً تکان دهنده بود. بر آن شدم تا ستراتیژی ایران را در باره کشورهای همسایه، مخصوصاً افغانستان، به استناد سندی که پس از انقلاب اسلامی ایران تدوین شده بود و اخیراً از طرف یک سازمان ایرانی مخالف حکومت ملاهای ایران افشا شد، توضیح بدارم. این سند مطول که یک ستراتیژی پنجاه ساله را برای صدور انقلاب! اسلامی ایران به کشورهای همسایه و شرق میانه طرح کرده است، دستورات مشخصی در باره اعمار مساجد و حسینیه ها، شهرک ها و تجمع هواخواهان ایران درین کشورها، کمک به خریداری املاک و جایداد ها توسط چنین افرادی درین کشورها، نفوذ در دستگاه های حاکمه، نهاد های اقتصادی و انجمن های فرهنگی و... دارد که هر یک از این موارد ایجاب بحث مفصل و مستدل می کند.

این سند که در دهه ۱۹۷۰ از طرف رهبری ایران تدوین شده صراحت دارد که نگهدارنده و گرداننده هر کشور و ملت فقط سه چیز است: اول قدرت که در دستگاه حاکم قرا دارد؛ دوم علم و دانش که در اندیشه علما و دانشمندان می باشد؛ و سوم چرخش اقتصاد که در دست سرمایه داران است. درین ستراتیژی گفته شده که اگر در دستگاه

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی دلیکنی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

حاکمان تزلزل ایجاد گردد، بین دولتمردان و علما نفاق انداخته شود و سرمایه داران هر کشور متفرق ساخته شوند و سرمایه آنها بسوی ایران و یا کشور های دیگر جهان سرازیر گردد، بیشک موفقیت چشمگیری بدست خواهد آمد.

ببینیم که برای برآورده ساختن این مأمول ایرانی ها در افغانستان چه کردند؟ همین اکنون بین حکمرانان افغانستان تزلزل و بی اعتمادی را خلق کرده اند و این امر در ترکیب رهبری و حکومت افغانستان و همچنین در شورای ملی وضاحت دارد. این بی اعتمادی و مخالفت ها نه تنها درین سال های اخیر ایجاد شده بلکه از دوران تهاجم شوروی سابقه بر افغانستان و جهاد مردم افغانستان علیه این تهاجم برنامه ریزی شده بود، چنانچه با تشکل دادن تنظیم های مستقر در ایران و نقش آنها در جنگ های داخلی بعد از حکومت نجیب الله در افغانستان و کینه و عداوتی که بین این گروه ها و سایر گروه ها ایجاد شد و دامنه آن تا امروز ادامه دارد، درست مطابق دستور العملی بوده که ستراتیژی سالهای ۱۹۷۰ ولایت فقیه تعیین کرده است.

اختلافاتی که بین علمای افغانستان دامن زده شده و ملاحای سنی مذهب و شیعه مذهب افغانستان را در دو قطب متضاد قرار داده نمونه دیگری از تطبیق این ستراتیژی برای نفوذ بیشتر ایران بر افغانستان است.

بزرگترین موفقیت ایران در فرار دادن سرمایه های افغانستان است. اکثر سرمایه داران افغانستان یا سرمایه های شانرا به دوبی و سایر کشور ها انتقال داده اند و یا هم در ایران سرمایه گذاری کرده اند. به طور مثال از تقریباً دو صد و پنجاه فابریکه ای که در شهرک صنعتی هرات فعال بود امروز در حدود یک صد فابریکه فعال است و بقیه سرمایه شان را در ایران سرمایه گذاری کرده اند. ایران برای سرمایه گزاری آنها مشوق های فراهم نموده که از یکطرف آنها را از پرداخت مالیه معاف می گرداند و از جانب دیگر مواد خام را به ارزانترین قیمت در اختیار آنها قرار می دهد.

متأسفانه دولت افغانستان به هیچ یک از شکایات سرمایه داران و صنعتگران هرات که مانع توريد محصولات صنعتی مشابه شود و یا برای تقویة صنایع، حد اقل مالیات محصولات مشابه صنعتی را بلند ببرد گوش نداد و در نتیجه این صنعتگران فابریکه ها و سرمایه های شان را به ایران انتقال دادند و ایران توانست ضربه مهلکی را بر پیکر اقتصاد علیل افغانستان وارد کند و بدین ترتیب اصل دیگری را از ستراتیژی خود در برابر افغانستان تحقق بخشد.

ضربه دیگر ایران بر اقتصاد افغانستان جلوگیری از اعمار بند های آب گردان و تولید برق آبی بر مسیر دریا هایی است که به ایران منتهی می شود. بند سلما که اعمار اولی این پروژه در زمان زمامداری محمد داود خان آغاز گردیده بود قرار بود در حکومت موجوده چهارسال قبل تکمیل گردد ولی با مخالفت های ایران و همدستی پاکستان حالا اعلام شد که در ماه دسمبر سال آینده تکمیل خواهد شد. هفته گذشته بود که امنیت ملی افغانستان از خنثی ساختن دسیسه ای برای منفجر ساختن این بند توسط طالبان با یک هزار و سه صد کیلو گرام مواد منفجره خبر داد. همچنان چندین سال است که موضوع اعمار بند کمال خان در ولایت فراه که هزاران هکتار زمین را آبیاری خواهد کرد مطرح است ولی تا کنون هیچگونه اقدامی در زمینه صورت نگرفته است.

بند سلما در حدود هفتاد و پنج هزار هکتار زمین را آبیاری می کند که برای اقتصاد زراعتی افغانستان که هشتاد در صد اقتصاد این کشور را تشکیل می دهد تاثیر بسزائی دارد. این بند همچنان ظرفیت تولید چهل و دو میگاووات برق را دارد ولی تأخیر در اكمال آن باعث بلند رفتن پنجاه فی صد مصارف آن گردیده که بقول آگاهان، این تأخیر بیشتر از دست اندازی های دیپلوماتیک ایران و رقابت پاکستان با هند اعمار کننده این بند، بوده است.

بموجب یک گزارشی که به کمک ملل متحد تهیه گردیده از پنجاه و هفت میلیارد متر مکعب آبی که در دریا های افغانستان جریان دارد فقط سی فی صد در افغانستان به مصرف می رسد و بقیه به کشورهای همسایه سرازیر می شود.

جای تعجب اینجاست که با وضاحت مخالفت ایران با اعمار این بندها مرکز مطالعات آبهای افغانستان در وزارت انرژی و آب توسط ایرانی ها پیش برده می شود که این خود سوال بر انگیز است.

عنایت الله نجیب که چندین سال در دفاتر افغانستان و بین المللی در افغانستان در امور آبهای مشترک بین کشورها کار کرده می گوید: «این حقیقت که ایرانی ها امور این مرکز مطالعات آب را در داخل وزارت انرژی و آب بدوش دارند بسیار خطرناک است. آنها تنها به کشور خودشان وفادار هستند».

ایران یگانه کشوری است که افغانستان با آن معاهده اشتراک آب دریای هلمند را امضا کرده است. این معاهده در زمان حکومت موسی شفیق آخرین حکومت دوره پادشاهی افغانستان امضا شد و نگارنده در محفل امضای این معاهده بحیث خبرنگار حاضر بود که از طرف محمد موسی شفیق صدراعظم افغانستان و امیر عباس هویدا صدراعظم ایران در قصر ستور وزارت خارجه افغانستان به امضا رسید. ولی ایران اکنون به موجب یک گزارش ملل متحد بیش از هفتاد در صد بیشتر از مقدار آبی را می گیرد که درین معاهده قید گردیده است و زیربنا هایی هم برای ذخیره آب اضافی در سرحد خود بدون رضایت افغانستان اعمار کرده است.

وقتی به سوابق مناسبات ایران و افغانستان نظری می اندازیم افغانستان همواره ایران را کشور همکیش و همزبان با فرهنگ مشترک می نامد و ایران هم عین ادعا را دارد ولی هیچگاهی ایران صداقتی در عمل نشان نداده است. ایران پس از سقوط طالبان در حدود ششصد ملیون دالر به افغانستان مساعدت کرده است که شامل تمدید برق وارداتی، تمدید خط آهن تا هرات و همچنان پروژه های انکشافی در فراه و نیمروز، ولایات همجوار ایران است که توأم با بهره کشی های سیاسی و نفوذ بیشتر بر این مناطق است.

پایان

---

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ